

Fiscal & Monetary Policies

سیاستهای پولی و مالی

وظایف اقتصادی دولت‌ها

- **وظیفه تخصیص منابع** (تخصیصی): این وظیفه دولت دارای ابعاد گسترده‌ای است که از تولید کالاها و خدمات (کالا و خدمات عمومی و اجتماعی) گرفته و تا اثربخشی بروی تولیدات بخش خصوصی را شامل می‌شود. این هدف ممکن است از طریق هزینه‌ها و یارانه‌های دولتی و یا از طریق ابزارهای مالی و غیرمالی مانند مالیات‌ها تحقق یابد.
- **وظیفه تثبیت اقتصادی** (تثبیتی): اقتصادها دستخوش نوسانات فراوانی هستند و ممکن است از دوره‌های طولانی بیکاری یا تورم در رنج باشند و بدتر آنکه عدم اشتغال و تورم ممکن است همزمان وجود داشته باشند. برای تثبیت اقتصادی، دخالت دولت ضروری به نظر می‌رسد زیرا اشتغال کامل و ثبات قیمت‌ها، در اقتصاد مبتنی بر بازار خود به خود به دست نمی‌آیند و هدایت "دولتی" برای این منظور لازم است. این وظیفه تلاش در جهت رسیدن به اهداف مطلوب اقتصاد کلان را شامل می‌شود.

وظایف اقتصادی دولت‌ها

- **وظیفه توزیع درآمد و ثروت (توزیعی):** در فرهنگ اقتصادی توزیع درآمد به مکانیزم‌هایی اطلاق می‌شود که بوسیله آن درآمد ملی بین افراد و گروه‌هایی که به نحوی در فعالیتهای اقتصادی شرکت دارند، توزیع میشود. بعبارت دیگر، **توزیع درآمد چگونگی سهم بری افراد یک جامعه از درآمد ملی و درجه نابرابری موجود بین درآمد افراد آن جامعه را توصیف می‌کند.** در نبود دخالت دولت، توزیع درآمد مبتنی بر توزیع قابلیت عوامل و براساس قیمت‌گذاری عوامل تعیین می‌شود که در یک بازار رقابتی ارزش بازده عوامل را با ارزش تولید نهایی آن‌ها برابر می‌کند. بنابراین توزیع درآمد بین افراد به عرضه عوامل و قیمتی که در بازار برای آن‌ها تعیین می‌شود بستگی دارد. این الگو درجه مهمی از نابرابری، به ویژه در توزیع درآمد حاصل از سرمایه را در خود مستتر دارد و غالب اقتصاددانان معتقدند باید تعدیلهایی در این زمینه صورت بگیرد. این وظیفه دولت است که با ابزارهای در دسترس خویش (مثل وضع مالیات تصاعدی و اختصاص عواید این مالیات به سوپسید برای خانواده‌های کم درآمد) جهت ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها بکوشد.

سیاست اقتصادی

- دولت‌ها برای بهبود اوضاع اقتصادی، خط مشی‌ها و تدابیری بکار می‌برند که به سیاست‌های اقتصادی معروف است.
- سیاست‌گذاری اقتصادی به مجموعه اقدامات و دخالت‌های دولت در اقتصاد به منظور تحقق اهداف اقتصادی و اجتماعی معین، با استفاده از ابزارهای تحت مهار خود در چارچوب امکانات و محدودیت‌ها اطلاق می‌گردد.
- هدف اساسی از سیاست‌گذاری‌های دولت، عبور از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است. سیاست‌گذاری‌ها نوعاً در ارتباط با یکدیگر و به طور هماهنگ اعمال می‌گردند.
- وضعیت مطلوب مشترک همه اقتصادها، حصول تعادل‌های پایدار توأم با اشتغال مناسب و رشد و توسعه اقتصادی است.

انواع سیاست های اقتصادی

- سیاست های اقتصادی که ابزار اساسی اقتصاد کلان می باشند به چهار دسته کلی تقسیم می شوند:
- سیاست مالی ، سیاست پولی، سیاست درآمدی و سیاست اقتصاد خارجی.

سیاست مالی

- **سیاست مالی:** انقلابی است که کینز در علم اقتصاد به وجود آورد و به سیاست اقتصادی گفته می شود که از طریق ابزارهای مالی یعنی هزینه های دولتی و مالیاتها به اهداف معین اقتصادی نایل گردد.
- سیاست مالی مجموعه تدابیر و اقداماتی است که نظام مالی دولت را از نظر درآمدها و هزینه ها به منظور دستیابی به اهداف اقتصادی (مانند سرمایه گذاری، رشد اقتصادی و...) تحت تاثیر قرار میدهد. با استفاده از ابزار سیاست مالی، دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی مثل سطح تولید، مصرف، سرمایه گذاری، سطح قیمت ها و نرخ بیکاری اثر گذاشته و از سوی دیگر دولت از طریق مخارج خود و مالیاتها، میتواند حجم فعالیتهای بخش دولتی و بخش خصوصی را در کل اقتصاد تعیین می کند و تغییر این مخارج و مالیاتها به عنوان یک ابزار مهم اقتصادی در دست دولت قرار دارد.

سیاست مالی

- تغییرات آگاهانه در اندازه، ترکیب و زمان بندی هزینه ها و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها را "اتخاذ سیاست مالی" می گویند. هزینه ها یا مخارج دولت نوعی تزریق درآمد به حساب می آید و مالیات ها نوعی نشت درآمد محسوب می شوند. تغییراتی که در سطح فعالیت های اقتصادی دولت رخ میدهد ناشی از تفاوت بین هزینه های دولت و درآمدهای ناشی از مالیات ها و سایر منابع تامین درآمد است که از آن تعبیر به کسری بودجه میشود.

سیاست پولی

- این سیاست که بیشتر از جانب کلاسیک ها مورد حمایت واقع می شده، از طریق تغییر در حجم پول، تغییر در رشد حجم پول و نرخ بهره و تغییر شرایط اعطای تسهیلات مالی صورت می گیرد. هدف اصلی سیاست پولی کنترل عرضه پول و تنظیم رابطه بین پول، تولید و تورم است. ابزارهای اصلی سیاست پولی عبارتند از: نرخ ذخیره قانونی بانکها، تغییر در نرخ تنزیل مجدد و عملیات بازار باز. بانک مرکزی از طریق ابزارهای فوق می تواند حجم پول را در جامعه تغییر دهد و تغییرات حجم پول نیز بر تقاضای کل و در نتیجه تولید، اشتغال و سطح قیمتها اثر می گذارد.

سیاستهای پولی و مالی

- از سیاستهای پولی و مالی دولت عموماً به عنوان «سیاستهای مدیریت تقاضا» یاد می‌شود. چون این سیاستها مدیریت و کنترل تقاضا را مورد بررسی قرار می‌دهند.
- هدف کلی و مشترک سیاستهای پولی و مالی (سیاستهای مدیریت تقاضا) این است که تولید را در نزدیکی اشتغال کامل نگه داشته و سطح قیمتهای موجود در اقتصاد را تثبیت نمایند. بروز مازاد تقاضا احتمالاً موجب تورم خواهد شد، در حالیکه کمبود تقاضا حداقل بطور موقت هم که شده بیکاری نیروی کار و افت قیمتها را در پی خواهد داشت.

سیاست درآمدی

- اگر سیاست های پولی و مالی از کانال انتقال منحنی تقاضای کل، دولت ها را برای رسیدن به اهدافشان یاری می کنند، سیاست درآمدی از طریق انتقال منحنی عرضه کار منحنی عرضه کل را جابه جا می کند. سیاست درآمدی در قالب سیاستهای دستمزد و قیمت برای مقابله با تورم و بیکاری به کار می‌رود و شامل روشهای مختلفی است که دولت برای کنترل دستمزدها و قیمت‌ها به کار می‌برد، تا همزمان با کنترل سطح تقاضا از افزایش نرخ بیکاری نیز جلوگیری نماید. سیاست درآمدی در واقع، مجموعه‌ای از رهنمودهای ترغیبی و اختیاری درباره دستمزدها و قیمتها، تشویق اتحادیه‌ها و اصناف و مؤسسات بزرگ تولیدی به منظور تعدیل دستمزدها و تغییر انتظارات کارگر و کارفرما می‌باشد.

سیاست اقتصاد خارجی

- در واقع مجموعه سیاستهایی است که دولت به منظور تعدیل و تنظیم روابط اقتصادی کشور با سایر کشورها اعمال می‌نماید. ابزارهای سیاست اقتصاد خارجی عبارتند از: تنظیم نرخ ارز، اعمال کنترل تجارت خارجی و تحدید واردات از طریق تعرفه‌ها و یارانه‌های پرداختی به کالاهای وارداتی و صادراتی.

مدل های تحلیل اثر گذاری سیاستهای اقتصادی

- مدل (۱): بازار کالا
 - با فرض ثابت بودن نرخ بهره ، سطح قیمتها و نرخ ارز
 - تغییر درآمد ملی همواره مربوط به تغییر تقاضا می باشد نه عرضه. در این مدل درآمد ملی تعادلی تعیین می شود.
- مدل (۲): بازار کالا و پول
 - مدل IS-LM می باشد.
 - با فرض ثابت بودن سطح قیمتها و نرخ ارز. در این مدل درآمد ملی تعادلی و نرخ بهره تعیین می شود.

مدل های تحلیل اثر گذاری سیاستهای اقتصادی

- مدل (۳): بازار کالا و پول و کار
- عرضه کل = تقاضای کل
- همه متغیرها تغییر می کنند یعنی در این مدل درآمد ملی تعادلی ، نرخ بهره و سطح عمومی قیمتها تعیین می شود.
- در این مدل بحث بازار کالا و پول (IS-LM) ، تقاضای کل و بحث بازار کار ما را به عرضه کل می رساند.

سیاست مالی و اثر گذاری آن بر اقتصاد

- سیاست مالی یکی از نقاط تلاقی سیاست و اقتصاد است. زیرا سیاست نقش بسیار مهمی در تعیین اهداف سیاست مالی دارد. به عنوان مثال اغلب دولتها در هنگام انتخابات، سیاست کاهش تورم و افزایش کمکهای بلاعوض برای رفاه عمومی را در پیش می گیرند.
- از سوی دیگر از طریق اتخاذ سیاست مالی متناسب با شرایط اقتصادی جامعه می توان ضمن مقابله با بیکاری و تورم از نوسانات اقتصادی کم نمود و به ثبات اقتصادی دست یافت.

سیاست مالی و اثر گذاری آن بر اقتصاد

- سیاست مالی در دو جهت متفاوت و برای اهداف متفاوتی بکار گرفته می‌شوند که عبارتند از:
- **سیاست مالی انقباضی:** دولت‌ها برای پیشگیری و یا تضعیف فشار تورمی دست به اتخاذ این سیاست می‌زنند و با توجه به ابزارهای مالی، سیاست مالی انقباضی در دو جهت به مرحله اجرا و عمل در می‌آید یکی در جهت درآمدها و دیگری در جهت هزینه‌ها.
- سیاست انقباضی منابع درآمد بدین صورت است که دولت دست به افزایش نرخ مالیات و یا وضع مالیات‌های جدید زده و بدین ترتیب سعی می‌کند با جذب قسمتی از پول در گردش، از افزایش تقاضا که عامل پیدایش فشارهای تورمی است بکاهد و بین عرضه و تقاضای کل تعادل ایجاد نماید.
- سیاست انقباضی هزینه‌های دولتی بدین صورت است که دولت از انجام سرمایه‌گذاری پر خرج و وسیع خودداری نموده و گامی در جهت افزایش تقاضا و حجم پول در گردش که زاینده این سرمایه‌گذاری‌ها است، بر ندارد.
- یکی از سیاست‌های مالی انقباضی، سیاست مالیاتی انقباضی است که به عنوان سریع‌ترین و مهم‌ترین حربه‌های تقلیل تقاضای کل عمل نموده و بحران تورمی را کاهش می‌دهد.

سیاست مالی و اثر گذاری آن بر اقتصاد

- **سیاست مالی انبساطی:** در سیاست مالی انبساطی دولت‌ها بیشتر بر روی ابزاری که در جهت هزینه‌ها در اختیار دارند، متمرکز می‌نمایند.
- یکی از ابزارهای سیاست مالی انبساطی، سرمایه‌گذاری‌های دولتی (عملیات عمرانی و تولیدی) است که به مراتب بیش از ابزار مالیاتی می‌تواند دولت‌ها را در اجرای این سیاست یاری نماید و به نتیجه مطلوب یعنی رفع رکود و ایجاد تحرک در فعالیت‌های اقتصادی جامعه باشد.

سیاست مالی و اثر گذاری آن بر اقتصاد

- سیاست مالی اهمیت خاصی در سیاستهای دولت دارد و جزیی از فرآیند تثبیت اقتصادی به شمار می‌رود. تثبیت اقتصادی گاهی از طریق تثبیت کننده‌های خودکار و در برخی موارد از طریق تثبیت کننده‌های اختیاری انجام می‌گیرد.
- منظور از تثبیت کننده‌های خودکار و موجود در نظام مالی، مخارج دولت و دریافتی‌هایی است که بدون اینکه دولت بطور فعالانه دخالتی داشته باشد، باعث می‌شوند که در اثر وجود این ابزارهای مالی، بودجه دولت کسری بیشتر (یا مازاد کمتر) را در دوره رکود اقتصادی تحمل نماید و در نتیجه، اقتصاد بخش خصوصی از نوسانهای اقتصادی کمتری برخوردار شود. به همین ترتیب، در دوره تورم، این تثبیت کننده‌ها باعث می‌شوند که در بودجه دولت در این دوره، کسری کمتری (یا مازاد بیشتری) به وجود آید.
- همچنین تثبیت اقتصادی در برخی موارد از طریق لوایح قانونی و مصوبات هیأت وزیران انجام می‌شود که در لوایح بودجه جهت تصویب، به مجلس تقدیم می‌شود، که این گروه را تثبیت کننده‌های اختیاری می‌نامند. منظور از تثبیت کننده‌های اختیاری، سیاستهایی است که در نتیجه تغییرات در برنامه‌های مخارج دولت یا تغییرات در ساختار مالیاتها برای مبارزه با رکود یا تورم یا افزایش رشد اقتصادی به کار می‌روند. با بکارگیری این ابزارها از یک طرف درآمد واقعی مردم و در نتیجه تقاضای کل تغییر می‌یابد و از سوی دیگر با تأثیر گذاری بر سرمایه‌گذاری نیز تغییراتی در تقاضا ایجاد می‌کنند

The Golden Rule!

- **Fiscal policy framework**

The Government's fiscal policy framework is based on the five key principles set out in the Code for fiscal stability - **transparency, stability, responsibility, fairness and efficiency.**

The Code requires the Government to state both its objectives and the rules through which fiscal policy will be operated. The Government's fiscal policy objectives are:

The Golden Rule!

- over the medium term, to ensure sound public finances and that spending and taxation impact fairly within and between generations; and
- over the short term, to support monetary policy and, in particular, to allow the automatic stabilisers to help smooth the path of the economy.

The Golden Rule!

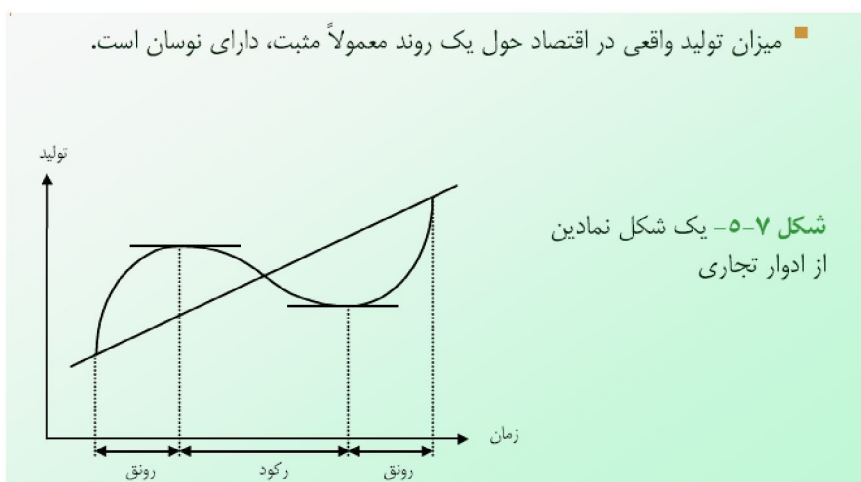
- These objectives are implemented through two fiscal rules, against which the performance of fiscal policy can be judged. The fiscal rules are:
- **the golden rule:** over the economic cycle, the Government will borrow only to invest and not to fund current spending; and
- **the sustainable investment rule:** public sector net debt as a proportion of GDP will be held over the economic cycle at a stable and prudent level. Other things being equal, net debt will be maintained below ۴۰ per cent of GDP over the economic cycle.

The Golden Rule!

- The fiscal rules ensure sound public finances in the medium term while allowing flexibility in two key respects:
 - the rules are set over the economic cycle. This allows the fiscal balances to vary between years in line with the cyclical position of the economy, permitting the automatic stabilisers to operate freely to help smooth the path of the economy in the face of variations in demand; and
 - the rules work together to promote capital investment while ensuring sustainable public finances in the long term. The golden rule requires the current budget to be in balance or surplus over the cycle, allowing the Government to borrow only to fund capital spending. The sustainable investment rule ensures that borrowing is maintained at a prudent level. To meet the sustainable investment rule with confidence, net debt will be maintained below ۴۰ per cent of GDP in each and every year of the current economic cycle.

ادوار تجاری صعود و نزول فعالیتهای اقتصادی در سطح کلان

■ میزان تولید واقعی در اقتصاد حول یک روند معمولاً مثبت، دارای نوسان است.



ادوار تجاری

در اینجا فرض این است که بسیاری از شاخصهای اقتصادی در یک زمان تغییر می کنند که مهمترین آنها اشتغال و تورم هستند چون سایر متغیرها را تحت تأثیر قرار می دهند.

- دوران‌هایی که اقتصاد از روند بلندمدت خود پیشی می‌گیرد، دوران «رونق» و دوران‌هایی که کندتر از روند حرکت می‌کند «رکود» نامیده می‌شود.
- شرایط رکود در اقتصاد به دلیل بروز بیکاری و شرایط رونق به دلیل فشار بر ظرفیت‌های اقتصادی و افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، نسبت به حرکت با ثبات و بدون نوسان منطبق بر روند بلندمدت، شرایط نامطلوب ارزیابی می‌شود.
- منظور از مطالعه **ادوار تجاری**، ارائه نظریات و مدل‌هایی است که بیان‌کننده عوامل تعیین‌کننده تولید در کوتاه‌مدت باشد.
- علم اقتصاد کلان، سه حوزه **رشد اقتصادی**، **بیکاری** و **تورم** را مورد توجه قرار می‌دهد که حوزه اول در زمره مسائل **بلندمدت** و دو حوزه دیگر در محدوده مسائل **کوتاه‌مدت** اقتصاد مد نظر قرار می‌گیرند.
- سیاست‌گذاری در محدود کردن دامنه نوسانات کوتاه‌مدت، در ادبیات اقتصاد کلان، «سیاست‌های ثبات‌ساز» نامیده می‌شود.

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

- این مدل ، به همراه مدل (۲) ، به مدل کینزی معروف است.
- در مدل کینزی دو بازار وجود دارد: بازار کالا و بازار پول
- در این مدل فقط سیاست مالی قابل اعمال است چون فقط در بر دارنده بازار کالا می باشد.
- در این مدل آثار و کارایی سیاست مالی از طریق محاسبه ضریب تکاثر مالیاتها و مخارج دولت تحلیل می شود.

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

۱- فضای مدل کینزی

□ کینز در کتاب «تئریه عمومی اشتغال، بهره و پول» پیامی جدید اعلام کرد: «اقتصاد بازار می‌تواند در حالتی قرار بگیرد که در آن بیکاری هم وجود دارد ولی هیچ تمایلی برای بازگشت به حالت اشتغال کامل وجود ندارد. در این حالت دولت باید با تنظیم مالیات‌ها و هزینه‌های خود، اقتصاد را به سمت اشتغال کامل براند».

فرض انعطاف کامل قیمت‌ها و دستمزدها

مدل کینز به مدل «مدیریت تقاضا» مشهور است.

بازار محصول و بازاری دارایی (پول و سرمایه) به طور مستمر در حالت تعادل قرار دارند، حال آنکه بازار کار تنها بازاری است که در کوتاه‌مدت می‌تواند با عدم تعادل روبه‌رو باشد.

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

۱۲-۲- تعیین تولید در مدل اولیه کینزی

$$Y = C + \bar{I} \quad (1-12)$$

$$C = C_0 + by \quad (2-12)$$

$$Y = \frac{1}{1-b} (C_0 + \bar{I})$$

■ درآمد کل اقتصاد
■ b مقداری بین صفر و یک

$$\frac{1}{1-b} \quad (3-12)$$

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

۱۲-۳- مخارج دولت و بازار محصول

$$Y = C + \bar{I} + G \quad (۵-۱۲)$$

$$G = T \quad (۶-۱۲)$$

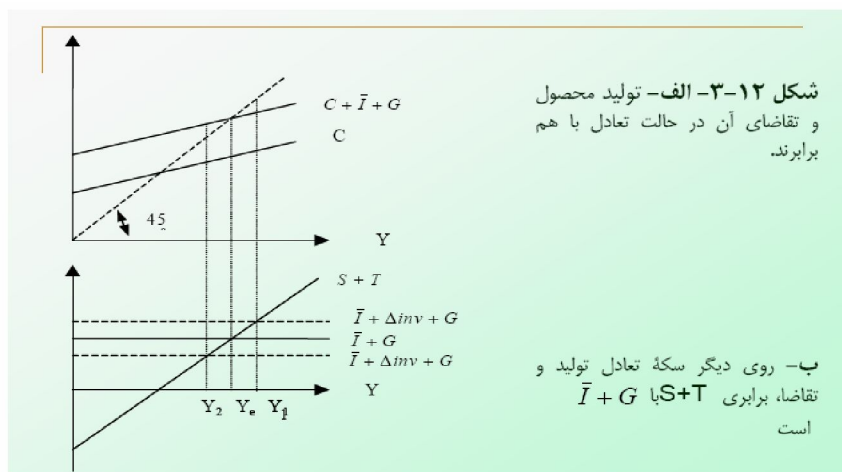
$$T = T_0 + tY \quad (۷-۱۲)$$

$$C = C_0 + bY^d \quad (۸-۱۲)$$

$$Y^d = Y - T \quad (۹-۱۲)$$

$$y = \frac{1}{1-b(1-t)} (\bar{I} - bT_0 + C_0 + G) \quad (۱۰-۱۲)$$

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا



اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

$$Y = C + S + T$$

$$S + T = I + G$$

$$G - T = S - I$$

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

- ضریب افزایش و درآمد ملی در الگوی سه بخشی با مالیات مستقل از درآمد :
- درآمد ملی تعادلی که از برابری عرضه کل و تقاضای کل $(AD=AS)$ به دست می آید عبارت است از: $Y = C + I + G$
-
- ضریب افزایش مخارج دولتی $K_G = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{1}{1-b}$
- ضریب تکاثر مالیات برابر: $K_T = \frac{\Delta Y}{\Delta T} = \frac{-b}{1-b}$
- ضریب افزایش مخارج دولتی بیش از قدر مطلق ضریب افزایش مالیات ها است $(|KG| > |KT|)$.

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

- ضریب افزایش بودجه متوازن

$$K = K_G + K_T = \frac{1-b}{1-b} = 1$$

- که نشان می دهد اگر دولت در اقتصاد دخالت کند و به اندازه ای که مالیات اخذ نموده خرج کند (سیاست توازن بودجه) باز هم درآمد ملی به اندازه افزایش در مخارج دولتی افزایش می یابد.

اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۱) : بازار کالا

- ضریب افزایش با مالیات وابسته به درآمد $T = T_0 + ty$

- ضریب افزایش مخارج دولتی برابر: $K_G = \frac{\Delta Y}{\Delta G} = \frac{1}{1-b+bt}$

- که نسبت به ضریب افزایش قبلی کاهش یافته است.

- ضریب افزایش مالیاتها نیز به صورت تغییر کرده و برابر است با:

$$K_T = \frac{\Delta Y}{\Delta T} = \frac{1}{1-b+bt}$$

- دراین الگو ضریب افزایش بودجه متعادل دیگر برابر با یک نیست

شکاف تورمی و شکاف رکودی

- شرایط رکودی و تورمی دو مقوله بسیار مهم و اساسی می باشند.
- **تولید در اشتغال کامل:** در هر کشور با توجه به میزان عوامل تولیدی که وجود دارد یک سطح مشخص از تولید را می توان برای آن تصور کرد که قابل دسترس خواهد بود و این در صورتی است که از تمامی عوامل تولید (سرمایه و نیروی کار) استفاده شود. این سطح از تولید که بالقوه میباشد را سطح اشتغال کامل مینامند. در سطح اشتغال کامل، نرخ بیکاری (کمتر از ۵ درصد) را بیکاری ارادی میگویند و در واقع علت وجودی آن بخاطر عدم تمایل نیروی فعال کار برای کار میباشد که دلایل متفاوتی برای آن وجود دارد.

شکاف تورمی و شکاف رکودی

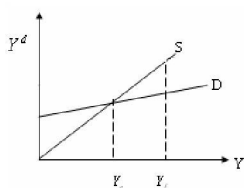
- تولیدی را که در اقتصاد یک کشور رخ میدهد و اتفاق می افتد را تولید بالفعل میگویند یعنی تولیدی که به وقوع پیوسته و رخ داده است. حال ممکن است که این تولید صورت گرفته، همان تولید در سطح اشتغال کامل باشد یا اینکه با سطح اشتغال متفاوت باشد. اما همه اقتصادها بدنبال رسیدن به تولید در سطح اشتغال کامل میباشد. برای رسیدن به این سطح از تولید، همه دولتها یک برنامه استراتژی طرح میکنند.

شکاف تورمی و شکاف رکودی

- **وضعیت رکودی:** با توجه به نظر کینز، رکود زمانی رخ خواهد داد که میزان عرضه بیشتر از تقاضای کل بازار باشد و در این حالت است که بنگاهها هیچ انگیزه ای برای تولید نخواهند داشت و برای از بین بردن این عدم تعادل باید تقاضای بازار را افزایش داد.
- تعریف دیگری که از رکود بیان میشود عبارت است از تفاوت بین تولید اشتغال کامل (تولید بالقوه) با تولید تعادلی (بالفعل). یعنی اگر در یک اقتصاد میزان تولید تعادلی از تولید در سطح اشتغال کامل کمتر باشد میتوان گفت که اقتصاد در وضعیت رکودی میباشد.

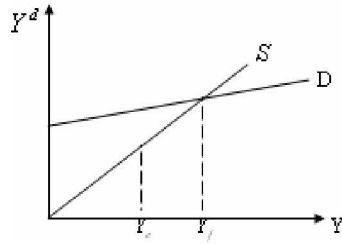
شکاف تورمی و شکاف رکودی

- میزان تولید (درآمد) اشتغال کامل، از تولید تعادلی بیشتر میباشد و این شکاف بین تولید در سطح اشتغال کامل را شکاف رکودی می نامند.



شکاف تورمی و شکاف رکودی

- وضعیت تورمی به زمانی گفته میشود که میزان تولید تعادلی بیش از تولید در سطح اشتغال کامل باشد. در این صورت یک شکاف با سطح تولید بالقوه بوجود میآید که به آن شکاف تورمی گفته میشود



اثر گذاری سیاستهای اقتصادی در مدل (۲) : بازار کالا و پول

مدل IS-LM

تعاریف

- تابع IS تمامی ترکیبات نرخ بهره و سطح درآمد را که با تعادل در بازار کالاها هماهنگی دارند، نشان داده و همچنین تابع LM یک چنین اطلاعات واحدی را که با تعادل در بازار پول هماهنگی دارند، نشان می‌دهد.
- حال با تلفیق این دو، ترکیب واحدی از نرخ بهره و سطح درآمد بدست خواهد آمد که تعادل را در دو بازار بطور همزمان برقرار خواهد نمود.

تعادل بازار کالا در مدل (۲)

تعادل بازار محصول: منحنی IS

$$I = I_0 - ar \quad (۱۴-)$$

$$Y = \frac{1}{1-b(1-t)}(C_0 + I_0 + G) - \frac{a}{1-b(1-t)}r \quad (۱۵-)$$

تبادل بازار کالا در مدل (۲)

در ۱۲-۱- رابطه IS در حالت کلی

$$\begin{cases} Y = C + I + G \\ C = C(y) 0 < C' < 1 \\ I = I'(r) I' < 0 \end{cases}$$

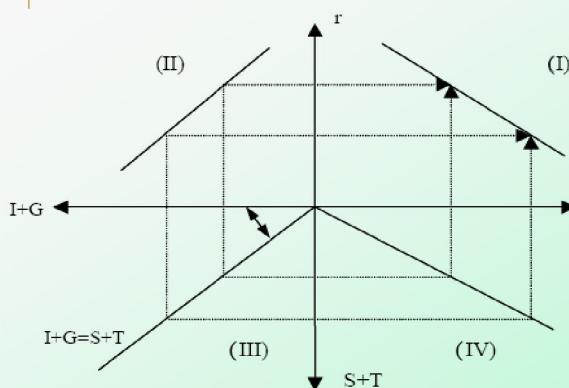
تلفیق این سه رابطه منحنی IS را می‌دهد: $Y = C(y) + I(r) + G$

$$dy = c' dy + I' dr$$

$$\rightarrow \frac{dr}{dy} = \frac{1 - c'}{I'} < 0$$

استخراج منحنی IS

۱۲-۶- استخراج منحنی IS با استفاده از نمودار



شکل ۱۲-۴- استخراج منحنی IS در یک نمودار چهار ربعی: ربع دوم رابطه منفی بین سرمایه‌گذاری و نرخ بهره است. ربع سوم شرط تعادل را در بر دارد که یک خط ۴۵ درجه است. ربع چهارم رابطه مثبت بین تولید و پس‌انداز را نشان می‌دهد. در ربع اول منحنی IS به صورت مجموعه نقاطی از r و Y که در هر سه منحنی صدق می‌کند به دست می‌آید.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

- مبادله داوطلبانه کالا خدمات بین آحاد مردم یک ضرورت اجتناب ناپذیر ناشی از تقسیم طبیعی کار میان افراد جامعه است.
- لازمهٔ مبادله کالا، ارزش گذاری آنها بر اساس معیاری قابل قبول برای همه است.
- این ارزش گذاری در جوامع کوچک و غیر متنوع (از نظر کالاهای مورد استفاده) می تواند بر اساس ضرایب تبدیل ساده صورت بگیرد.
- با بزرگ شدن جوامع و افزایش قابل توجه تنوع کالاها و خدمات، ضرورت تعریف یک معیار برای ارزش گذاری کالاهای خدمات مطرح شد.
- طلا و نقره به عنوان کالاهایی پذیرفته شده از طرف عموم مردم از نظر ارزش و نیز به دلیل دوام و آسیب پذیری کم به سرعت به عنوان پول در قالب مسکوکات مورد پذیرش قرار گرفتند.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

- بزرگ شدن اقتصاد و افزایش قابل توجه حجم مبادلات از یک طرف و محدودیت عرضهٔ طلا و نقره باعث شد تا ضرورت پول کاغذی و کاربرد آن به عنوان جایگزینی برای مسکوکات طلا و نقره مطرح شود.
- حال سوال این بود که چگونه می توان کاغذهایی را که تنها حاوی ارزش ثبت شده بر روی آنها است به اسنادی مورد پذیرش در جامعه تبدیل کرد.
- موضوع پشتوانهٔ اسکناس به همین علت مطرح شد که این اطمینان را ایجاد می کرد که پول کاغذی قابل تبدیل به دارائی های واقعی مورد قبول همه است.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

۱۳-۱- پول

□ در جوامع بدوی تعداد افراد، کالا و تعداد معاملات محدود بود و معامله به صورت پایاپای می‌توانست نیازهای آنها را برآورده سازد.

■ امروزه مفهوم پول فراتر از سکه و مسکوکات و حتی اسکناس است.

سه کارکرد مهم پول:

■ الف- واسطه مبادله

■ ب- ذخیره ارزش

■ ج- واحد شمارش

ویژگی های پول:

■ سبک

■ بادوام

■ وجود توافق جمعی بر کاربرد آن

تبادل بازار پول در مدل (۲)

■ مجموع اسکناس و مسکوک با سپرده‌های دیداری را «پول» می‌نامند و با نماد M_1 نشان می‌دهند.

■ حساب‌های مدت‌دار از سیالیت (Liquidity) کمتری برخوردارند و لذا به آن «شبه پول» می‌گویند.

■ مجموع پول و شبه پول در اقتصاد «نقدینگی» نام دارد و با نماد M_2 مشخص می‌شود.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

۱۳-۲- بسط پول و ایجاد پول بانکی

- اسکناس و مسکوک توسط بانک مرکزی ایجاد می‌شود.
- موجودی حساب‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، نتیجه عملیات بسط پول توسط «بانک‌های تجاری» است.
- ضریب فزاینده پولی (Money Multiplier) ضریبی است که بر مبنای آن پول بسط می‌یابد.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

۱۳-۳- سیستم بانکی و تعیین عرضه پول

- بانک مرکزی وظیفه کنترل، هدایت و حمایت از بانک‌های تجاری و مهمتر از آن، وظیفه طراحی و اجرای سیاست‌های پولی را بر عهده دارد.
 - پایه پولی، منبعی است که اگر در اختیار بانک‌های تجاری قرارگیرد این بانک‌ها می‌توانند با استفاده از آن به بسط حجم پول بپردازند.
 - پایه پولی از ترازنامه بانک مرکزی استخراج می‌شود.
- مهمترین اقلام پایه پولی:
- خالص دارائی‌های خارجی بانک مرکزی،
 - خالص بدهی دولت به بانک مرکزی،
 - بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی،
 - خالص سایر دارائی‌ها.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

- بدهی دولت به بانک مرکزی و دارائی‌های خارجی بانک مرکزی هر یک می‌توانند به طور همزمان افزایش یا کاهش یابند.
- «خلق پول» و «چاپ پول» دو مفهوم متمایز از یکدیگرند.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

تعیین حجم پول

الف- بانک مرکزی:

- تغییر اقلام پایه پولی.
- تغییر نرخ سپرده‌های قانونی بانکها.
- انجام عملیات بازار باز (Open Market Operation) (OMO)
- ب- بانک‌های تجاری:
- خودداری از دادن اعتبار به مشتریان
- به امانت‌گذارن بخشی از سپرده‌های مشتریان نزد بانک مرکزی مازاد بر سپرده‌های قانونی.

ج- مردم:

- نیز می‌توانند از طریق عدم سپرده‌گذاری نزد بانک‌ها و نگهداری پول نقد نزد خود بر روی حجم پول اثر بگذارند.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

۱۳-۴- تقاضای پول

$$P.Y = M.V$$

(۱-۱۳)

مقدار تولید به قیمت ثابت Y ،

سطح قیمت‌ها P ،

مقدار پول موجود در جامعه M ،

سرعت گردش پول در یک بازه زمانی معین V

$$M = K.Y$$

(۲-۱۳)

Y در این رابطه حاصلضرب $P.Y$ یعنی ارزش تولیدات اسمی و K عکس سرعت گردش پول است. **مارشال** گفت: مقدار پولی که جامعه تقاضا می‌کند رابطه‌ای مستقیم با سطح درآمد آن جامعه (ارزش مبادلات آن جامعه) دارد. پارامتر K تمایل مردم به نگاهداری پول نقد را نشان می‌دهد و «رحجان نقدینگی» نام دارد.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

کینز معتقد بود سه عامل در تقاضا برای پول وجود دارد:

■ انجام معاملات

■ تابعی از سطح درآمد (یا ارزش تولیدات) جامعه

■ تقاضای سوداگرانه پول

$$\left(\frac{M}{P}\right)^d = \alpha y - \beta.r$$

(۳-۱۳)

M^d تقاضای اسمی پول، P سطح قیمت‌ها، y تولید حقیقی و r نرخ بهره اسمی

ترتیب آنچه برای پوشش دادن به تقاضای پول لازم است، مقدار واقعی پول است نه ارزش اسمی آن.

$$\left(\frac{M}{P}\right)^s = \left(\frac{\bar{M}}{P}\right)$$

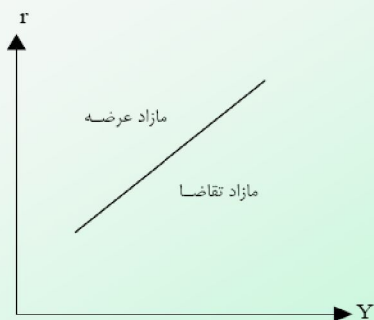
(۴-۱۳)

تبادل بازار پول در مدل (۲)

۱۳-۵- تبادل بازار پول: منحنی LM

(۵-۱۳)

$$\left(\frac{\bar{M}}{P}\right) = \alpha y - \beta r$$



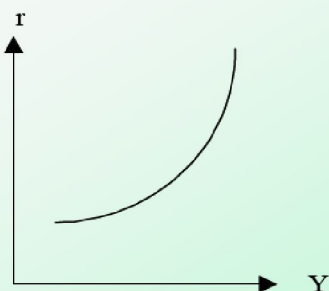
شکل ۱۳-۱- منحنی LM تبادل
بازار پول را نشان می دهد. یعنی نقاطی
در فضای Y و r که تبادل در این بازار
برقرار است. این منحنی صعودی است.

تبادل بازار پول در مدل (۲)

کادر ۱۳-۱- منحنی LM در حالت کلی

■ تقاضای سوداگرانه علاوه بر نرخ بهره به تولید نیز وابسته است.

$$\left(\frac{\bar{M}}{P}\right) = m(y, r) \quad m'_y > 0, \quad m'_r < 0$$

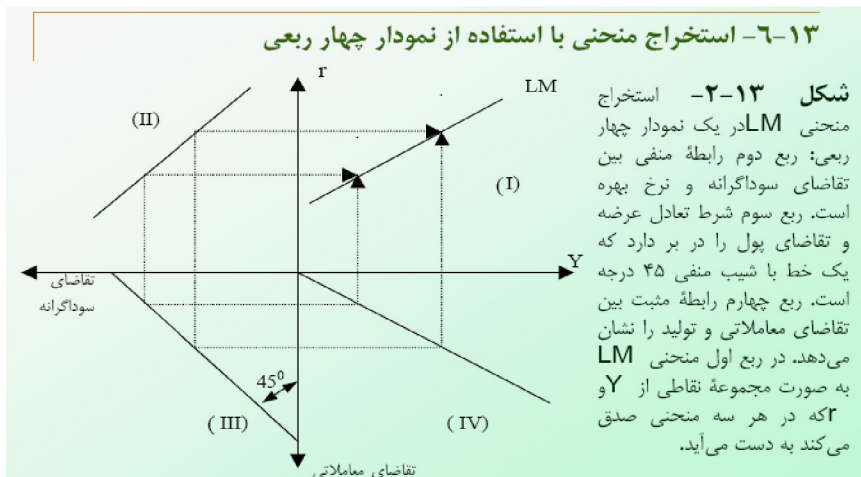


منحنی LM در حالت کلی یک خط راست
نیست بلکه یک منحنی با شیب مثبت است. در
مقادیر پایین r, Y شیب این منحنی کم و در
مقادیر بالا شیب آن زیاد است.

$$0 = m'_y \cdot dy + m'_r dr$$

$$\rightarrow \frac{dr}{dy} = -\frac{m'_y}{m'_r} > 0$$

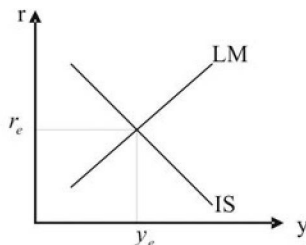
تبادل بازار پول در مدل (۲)



تبادل همزمان بازار کالا و بازار پول در مدل (۲)

- منحنی IS ترکیبهای مختلفی از نرخ بهره و درآمد ملی را نشان می‌دهد که بازار کالا در تعادل است. ولی منحنی LM نیز ترکیبهای مختلفی از درآمد ملی و نرخ بهره را که بازار پول در تعادل است را نشان می‌دهد. ولی لزوماً تعادل بازار کالا به معنی تعادل در بازار پول نیست.
- بین ترکیبهای مختلفی نرخ بهره و درآمد ملی که بازار کالا و یا بازار پول در تعادل بودن تنها یک ترکیب است که بطور همزمان هم بازار پول و هم بازار کالا در تعادل است.
- این ترکیب در جایی به دست می‌آید که منحنی های IS و LM همدیگر را قطع می‌کنند.

تبادل همزمان بازار کالا و بازار پول در مدل (۲)

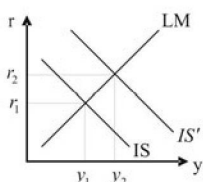


تبادل همزمان بازار کالا و بازار پول در مدل (۲)

- منحنی تقاضای اقتصاد را در قالب منحنی‌های $IS-LM$ و با پیدا کردن سطح تعادلی محصول در هر سطح معینی از قیمت می‌توان استخراج کرد
- در واقع منحنی تقاضای کل مکان هندسی re ها و ye های تعادلی در مدل $IS-LM$ است بشرطی که قیمت ثابت باشد
- دولت می‌تواند با بکار بردن ابزارهای سیاست پولی و مالی که در اختیار دارد منحنی تقاضای اقتصاد را انتقال بدهد

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های LM – IS

- سیاست مالی و جا به جایی منحنی IS
- اعمال سیاست مالی انبساطی موجب انتقال منحنی IS به سمت راست می شود این مسئله در شرایط عمومی باعث افزایش درآمد ملی و نرخ بهره خواهد شد.



- سیاست مالی انقباضی IS را به سمت چپ منتقل می کند.

اثر جانشینی جبری (Crowding out)

- هنگامی که دولت سیاست مالی انبساطی اعمال می کنند افزایش مخارج دولتی با توجه به ضریب افزایش موجب افزایش درآمد می شود.
- بازار کالا در تعادل است ولی بازار پول در تعادل نیست.
- با افزایش درآمد ملی تقاضای معاملات پول افزایش می یابد و در صورتی که نرخ بهره ثابت بماند بازار پول از تعادل خارج می شود.
- جهت ایجاد تعادل در بازار پول نرخ بهره افزایش خواهد یافت تا از طریق کاهش تقاضای سفته بازی پول جبران افزایش تقاضای معاملاتی پول شده و تعادل بین عرضه و تقاضای پول بوجود آید.

اثر جانشینی جبری (Crowding out)

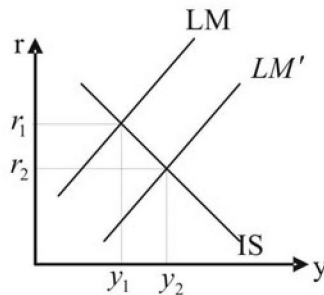
- با افزایش نرخ بهره سرمایه گذاری که با نرخ بهره رابطه معکوس دارد، کاهش می یابد و با توجه به ضریب افزایش باعث کاهش درآمد ملی می شود
- همانطور که ملاحظه می شود سیاست مالی انبساطی موجب افزایش مخارج دولتی و کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی شده است که این پدیده را در اقتصاد اثر جانشینی جبری می نامند.

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های IS – LM

- سیاست پولی و جابجایی منحنی LM
- سیاست هایی که عرضه پول را در اقتصاد کاهش دهد سیاست پولی انقباضی نامیده می شود. و سیاست هایی که موجب افزایش عرضه پول در اقتصاد می شود، سیاست پول انبساطی می نامند.

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های LM – IS

- سیاست پولی انبساطی



تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های LM – IS

- ملاحظه می گردد که با توجه به حجم ثابت پول، اتخاذ سیاست انبساطی مالی (خواه این سیاست انبساطی از طریق افزایش مخارج دولت باشد و یا از طریق کاهش مالیاتها)، نرخ بهره را افزایش می دهد، و این امر موجب می گردد که مقداری از سرمایه گذاری در بخش خصوصی کاهش یابد. این جبران یا خنثی سازی سیاست مالی مثالی از تثبیت کننده خودکار را ارائه می دهد؛ یعنی در اینجا حجم ثابت پول به عنوان یک تثبیت کننده خودکار عمل کرده که نسبت معینی از اثرات مالی را دفع نموده و یا کنار می راند. میزان و درجه ای که اثرات سیاست مالی خنثی خواهد گشت بستگی به دو اثر متفاوت خواهد داشت؛ یکی اثر تغییر مالی بر روی نرخ بهره، و دیگری حساسیت پذیری نرخ بهره از تقاضای سرمایه گذاری بخش خصوصی بر اثر تغییر در نرخ بهره.

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های LM – IS

- اگر تغییرات مالی هیچ اثری بر روی نرخ بهره نداشته باشد (LM افقی باشد) و یا اینکه تابع تقاضای سرمایه گذاری نسبت به تغییرات نرخ بهره کاملاً با کشش باشد (IS عمودی باشد)، در این حالت اثر دافعه یا خنثی کننده صفر خواهد بود. همچنین اگر منحنی LM عمودی باشد، اثر دافعه یا خنثی کننده بطور کامل بوقوع خواهد پیوست. با توجه به مباحث بالا می توان گفت که هر چه منحنی LM به حالت عمودی نزدیکتر باشد، اثر دافعه یا خنثی کننده بیشتر خواهد بود و کارایی سیاست مالی کمتر است. و هر چه منحنی IS به حالت عمودی نزدیکتر باشد (یا LM به حالت افقی نزدیکتر باشد). اثر دافعه کمتر و کارایی سیاست مالی بیشتر خواهد بود. البته، وضعیت نرمال، حالتی است که توابع IS و LM دارای شیبهای نرمال بوده و در این حالت اثر جبرانی بطور ناقص بوقوع خواهد پیوست.

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های LM – IS

- محدودیت استفاده از سیاست مالی برای افزایش تقاضای کل به مسئله جانشینی جبری برمی گردد. جانشین جبری زمانی اتفاق می افتد که مخارج دولتی باعث افزایش نرخ بهره و در نهایت باعث کاهش سرمایه گذاری بخش خصوصی می شود. اگر همزمان با سیاست مالی انبساطی، عرضه پول به مقدار مناسب افزایش یابد (سیاست پولی انبساطی) نرخ بهره افزایش نمی یابد و جانشینی جبری مخارج بخش خصوصی رخ نمی دهد. به کار گیری همزمان سیاست پولی و مالی انبساطی منحنی تقاضای کل را به سمت راست منتقل می کند.

تحلیل سیاست های مالی و پولی براساس منحنی های IS – LM

- کارایی سیاستهای اقتصادی
- کینزینها
- کلاسیکها
- پولیون